

## عفو و گذشت

﴿وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾

### - ارزش گذشت

۱. «وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»<sup>۱</sup>؛ اما کسانی که شکیبایی و عفو کنند، این از کارهای پرارزش است.

فرمود: «وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» و بیان کرد که دعوت به صبر و عفو به این معنا نیست که حق انتصار و دفع ظلم از خود، باطل شود، بلکه ارشاد به فضیلتی است که از تمامی فضائل مهم تر است، چون در مغفرت و عفو صبری است که از مصادیق عزم الامور است و آن گاه کلام را هم با لام قسم تاکید کرد و هم با لام تاکید که بر سر خبر "إِنَّ" آورده، چون به مضمون این کلام عنایت داشته است.<sup>۲</sup>

### - طریقه عفو و گذشت

۲. «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَأَتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ»<sup>۳</sup>؛ ما آسمانها و زمین و آنچه را میان آن دو است، جز به حق نیافریدیم و ساعت موعود [قیامت] قطعاً فرا خواهد رسید (و جزای هر کس به او می رسد) پس، از آنها

۱. شوری، آیه ۴۳.

۲. ترجمه المیزان، ج ۱۸، ص ۱۰۳.

۳. حجر، آیه ۸۵.

به طرز شایسته‌ای صرف نظر کن (و آن‌ها را بر نادانی‌هایشان ملامت ننما). در مفردات گفته است: "صفح هر چیزی" پهنا و کناره آن است مانند صفحه صورت، صفحه شمشیر و صفحه سنگ و نیز صفح، به معنای ترک مؤاخذه است؛ مانند عفو و لیکن از عفو، بلیغ‌تر و رساتر است.

معنای صفح عبارتست از: روی خوش نشان دادن، پس معنای "صفحت عنه" این است که علاوه بر این که او را عفو کردم، روی خوش هم به او نشان دادم و یا این است که من صفحه روی او را دیدم در حالی که به روی خود نیاوردم و یا این است که آن صفحه‌ای که گناه و جرم او را در آن ثبت کرده بودم، ورق زده و به صفحه دیگر رد شدم و این معنا از ورق زدن کتاب اخذ شده، گویا کتاب خاطرات او را ورق زده است.<sup>۱</sup>

#### — انسان با گذشت محبوب خداست

۳. ﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ

الْمُحْسِنِينَ﴾<sup>۲</sup>؛ همان‌ها که در توانگری و تنگدستی، انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از خطای مردم درمی‌گذرند و خدا نیکوکاران را دوست دارد.

کلمه "سَرَّاءٍ" به معنای آن پیشامدی است که مایه مسرت آدمی باشد و کلمه "ضَرَّاءٍ" به معنای هر چیزی است که مایه بدحالی انسان شود، البته ممکن است این دو کلمه را به معنای دو کلمه یسر و عسر نیز گرفت، کلمه "كُظْمٍ" در اصل به معنای بستن سر مشک بعد از پرکردن آن بوده ولی بعدها به عنوان استعاره در مورد انسانی استعمال شد که پر از اندوه و خشم باشد؛ لیکن مصمم است که خشم خود را ابراز ننماید، کلمه (غیظ) به معنای هیجان طبع برای انتقام در اثر مشاهده پی‌درپی ناملایمات است، به خلاف غضب که به معنای اراده انتقام و یا مجازات است و به همین جهت است که گفته می‌شود: خدای تعالی غضب

۱. ترجمه المیزان، ج ۱۲، ص ۲۷۳.

۲. آل عمران، آیه ۱۳۴.

می کند، ولی گفته نمی شود خدای تعالی غیظ می کند!

## پیامها

- ۱- کسانی اهل گذشت هستند که صبور باشند: (کلمه «صبر» قبل از کلمه «مغفرت» آمده است) «لَمَنْ صَبَرَ وَ غَفَرَ».
- ۲- صبر و گذشت، بستر صفات برجسته انسان است: «وَلَمَنْ صَبَرَ وَ غَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ».
- ۳- کسی که فرمان گذشت می دهد، خدایی است که مربی و خلاق و علیم است: «إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ» (او می داند که عفو و گذشت در روح فرد و جامعه و جذب و رشد مردم چه اثری دارد، پس عمل به فرمان صَفَح برای شما سنگین نباشد.
- ۴- در عفو خطا کار، ایمان او شرط نیست: «وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ».
- ۵- کسی که می خواهد محبوب خدا شود، باید از مال بگذرد و خشم و غضب را فرو برد: «وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ».
- ۶- انفاق به محرومان و گذشت از خطای مردم، از مصادیق احسان و نیکوکاری است: «يُنْفِقُونَ»، «الكَافِرِينَ»، «الْعَافِينَ» و «الْمُحْسِنِينَ».

## آیات مرتبط

### گذشت عامل گرایش به سمت دین

۴. «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ»<sup>۱</sup>؛ به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [مردم] نرم (و مهربان) شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می شدند. پس آن‌ها را ببخش و برای آن‌ها آموزش بطلب و در کارها با آنان مشورت کن.

۱. ترجمه المیزان، ج ۴، ص ۲۸.

۲. آل عمران، آیه ۱۵۹.

### – عفو، نوعی احسان است

۵. «فِيمَا نَقَضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ وَ نَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»؛ ولی بخاطر پیمان شکنی، آن‌ها را از رحمت خویش دور ساختیم و دل‌های آنان را سخت و سنگین نمودیم، سخنان (خدا) را از موردش تحریف می‌کنند و بخشی از آنچه را به آن‌ها گوشزد شده بود، فراموش کردند و هر زمان، از خیانتی (تازه) از آن‌ها آگاه می‌شوی، مگر عده کمی از آنان، ولی از آن‌ها درگذر و صرف نظر کن که خداوند نیکو کاران را دوست می‌دارد.

## روایات

### – زشت‌ترین عیب

۱. قال علی عليه السلام:

قله العفو اقبیح العیوب و التسرع الی الانتقام اعظم الذنوب<sup>۱</sup>؛ زشت‌ترین عیب‌ها، کم‌گذشتی از لغزش مردم و بزرگترین گناهان، شتاب کردن در انتقام است.

### – عفو محبوب خداست

۲. عن رسول الله صلى الله عليه وآله:

إنَّ اللهَ تعالى عفوٌّ يحبُّ العفوَّ<sup>۲</sup>؛ خداوند بسیار بخشنده است و عفو و بخشش را دوست دارد.

۱. مانده، آیه ۱۳.

۲. غررالحکم، ص ۵۳۷.

۳. نهج الفصاحه، ج ۱، ص ۱۴۳.

### – گستره رحمت خدا

۳. قال الصادق عليه السلام:

إذا كان يوم القيامة نشر الله تبارك و تعالی رحمة حتّى يطمع إبليس فى رحمة تعالی و تقدّس<sup>۱</sup>؛ روز قیامت که می شود خداوند رحمتش را تا آنجا گسترش می دهد که شیطان در رحمت او طمع می کند.

### – عفو از بین برنده کینه

تعافوا يسقط الضغائن بينكم<sup>۲</sup>؛ از لغزش های یکدیگر چشم ببوشید تا کینه بین شما ناپود شود.

### – عزت ثمره گذشت

عن ابى عبد الله عليه السلام قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: عليكم بالعفو فإن العفو لا يزيد العبد إلّا عزّاً فتعافوا يعزّمكم الله<sup>۳</sup>؛ از امام صادق عليه السلام نقل شده است که فرمود: رسول خدا (ص) فرمودند: بر شما باد به عفو و گذشت، زیرا عفو و گذشت جز مایه افزونی عزّت بنده نیست، پس عفو کنید تا خدا شما را عزیز گرداند.

## داستانها

### ۱– نمونه ای از کرم امام صادق عليه السلام

مردی در مسجد خوابیده بود و همراه خود همیانی داشت. از خواب بیدار شد و همیان خود را ندید و در مسجد نیز غیر از امام صادق علیه السلام را نیافت، آن حضرت مشغول نماز بود، مرد نزد امام آمد و گفت: همیان من دزدیده شده و من غیر از تو را نمی بینم. امام صادق علیه السلام: در همیان تو چقدر پول بود؟

۱. امالی الصدوق، ص ۱۷۱.

۲. الحکم الزاهره با ترجمه انصاری، ص ۴۲۰.

۳. کافی، ج ۲، ص ۱۰۸.

صاحب همیان: هزار دینار.

امام صادق علیه السلام به خانه خود رفته و هزار دینار آورد و به وی داد. هنگامی که مرد نزد دوستانش آمد، آن‌ها به او گفتند: همیان تو نزد ما است و ما با تو شوخی کردیم. صاحب همیان با شتاب به مسجد برگشت تا پول را به صاحبش برگرداند. در هنگام برگشت از مردم پرسید: آن شخص چه کسی بود؟ گفتند: او فرزند رسول خدا حضرت جعفر بن محمد علیه السلام است.

او به جستجو پرداخت و حضرت را پیدا کرد، تا هزار دینار را به او برگرداند. ولی حضرت آن را قبول نکرد و فرمود: هنگامی که ما از ملک خود چیزی را به کسی دادیم، دیگر آن را بر نمی‌گردانیم!

## ۲- یوسف و برادران

بعد از آن که برادران با حيله، یوسف علیه السلام را به بیرون شهر بردند و او را درون چاه انداختند و پدر را در غم یوسف به حزن و گریه دائمی وادار کردند، سال‌ها گذشت تا فهمیدند برادرشان پادشاه مصر شد و بالاخره با پدر و برادران نزدش رسیدند. یوسف علیه السلام نخستین جمله‌ای را که گفت این بود: خدای من، به من احسان کرد که مرا از زندان بیرون آورد.

این که از گرفتاری چاه و به دنبالش بردگی خود نامی به زبان نیاورد، ظاهراً از روی جوانمردی بود که نخواست برادران را خجالت زده کند و آزارهایی را که از آن‌ها دیده بود، اظهار کند و آن خاطرات تلخ را تجدید نماید.

بعد فرمود: این شیطان بود که برادرانم را وادار کرد تا آن اعمال نابجا را نسبت به من انجام دهند و مرا به چاه افکنند و پدر را به فراق من مبتلا کنند؛ اما خدای سبحان این احسان را فرمود: که همان رفتار نابجای آن‌ها را مقدمه عزت و بزرگی ما خاندان قرار داد. این هم از بزرگواری یوسف علیه السلام بود که رفتار ظالمانه برادران را نسبت به خود به

## عفو و گذشت / ۱۲۱

شیطان منسوب داشت و او را مقصر اصلی دانست تا برادران شرمنده نشوند و راه عذری برای کارهای خویشتن داشته باشند.

فرمود: امروز بر شما ملامتی نیست و از جانب من آسوده‌خاطر باشید که شما را عفو کردم و گذشته‌ها را نادیده می‌گیرم و از طرف خدای تعالی نیز می‌توانم این نوید را به شما بدهم و از وی بخواهم که خدا نیز از گناه شما درگذرد، زیرا او مهربان‌ترین مهربانان است. آری «من یتق ویصبر فان الله لا یضیع اجر المحسنین! بدون شک هر کس تقوا و پیشه سازد، خداوند پاداش نیکوکاران را تباہ نمی‌کند».

درسی که حضرت یوسف علیه السلام نسبت به بدی‌های برادران به همگان داد، احسان نیک در مقابل بدی کردار آنان بود که ان‌شاءالله ما هم بتوانیم نسبت به برادران دینی این چنین باشیم.<sup>۲</sup>

### ۴- امام باقر علیه السلام و مرد مسیحی

مردی مسیحی به صورت سخریه و استهزا به آن حضرت گفت: أَنْتَ بَقْرٌ! یعنی تو گاوی.

امام بدون آن‌که از خود ناراحتی نشان بدهد و اظهار عصبانیت کند، با کمال سادگی فرمود: نه، من بقر نیستم من باقرم.

مسیحی: تو پسر زنی هستی که آشپز بود.

- شغلش این بود، عار و ننگی محسوب نمی‌شود.

- مادرت سیاه و بی شرم و بدزبان بود.

- اگر این نسبت‌ها که به مادرم می‌دهی راست است، خداوند او را بیمارزد و از گناهش

بگذرد و اگر دروغ است، از گناه تو بگذرد که دروغ و افترا بستی.

مشاهده این همه حلم، از مردی که قادر بود همه گونه موجبات آزار یک مرد خارج

---

۱. یوسف، آیه ۹.

۲. تاریخ انبیاء، ص ۳۴۷ - ۳۴۴.

۱۲۲ / ره‌توشه راهیان نور(پیام‌های قرآنی)

از دین اسلام را فراهم آورد، کافی بود که انقلابی در روحیه مرد مسیحی ایجاد نماید و او را به سوی اسلام بکشاند و آن مرد مسیحی مسلمان شد!

### شعر

تو را ایزد چو بر دشمن ظفر داد      به کام دوستانش سر جدا کن

\*\*\*\*\*

وگر خواهی ثواب نیک‌مردان      طمع از جانِ بُر او را رها کن

\*\*\*\*\*

گر عظیم است از فرودستان گناه      عفو کردن از بزرگان اعظم است